

دکتر آنتونی جی توماسینو، جلسه 5 ده فرمان فرمان 4: سبت،

این دکتر آنتونی جی توماسینو و آموزه‌های او در مورد ده فرمان است. این جلسه ۵، فرمان ۴: سبت است.

بنابراین اکنون به فرمان چهارم می‌رسیم، روز سبت را به یاد داشته باشید تا آن را مقدس نگه دارید.

اما برخی از شما با نام اریک لیدل و فیلم اربابه‌های آتش آشنا هستید. یادتان هست؟ یکی از معدود فیلم‌هایی که با مضمونی کاملاً مذهبی ساخته شده و تا به حال تحسین زیادی را برانگیخته است، اما احتمالاً بیشتر به خاطر موسیقی‌اش تا هر چیز دیگری که تصور می‌کنم. اما اریک لیدل یک دونده سرعت اسکاتلندی بود که برای شرکت در بازی‌های المپیک ۱۹۲۴ انتخاب شده بود.

و مشکل این بود که لیدل یک مسیحی بسیار معتقد بود و از مسابقه دادن در روز یکشنبه خودداری کرد. بنابراین، در نتیجه، وقتی فهمید که فینال دوی صد متر در روز یکشنبه برگزار می‌شود، تصمیم گرفت از آن مسابقه که بهترین مسابقه‌اش بود، کناره‌گیری کند. و در عوض، ترجیح داد در مسابقات ۲۰۰ و ۴۰۰ متر شرکت کند.

گفته می‌شود قبل از مسابقه ۴۰۰ متر، زنی یادداشتی به او داد و او آن را باز کرد و دید که روی یادداشت جمله‌ای ناخوانا نوشته شده است. در آن نوشته شده بود: «هر که به من احترام بگذارد، من نیز به او احترام خواهم گذاشت.» و لیدل در دوی ۴۰۰ متر مدال طلا را از آن خود کرد، هرچند که این بهترین مسابقه او نبود.

اکنون، به لطف هالیوود، لیدل احتمالاً به یکی از مشهورترین کسانی تبدیل شده است که روز سبت را در تاریخ معاصر حفظ می‌کنند، اما باید توجه داشت که او واقعاً تنها فرد نیست. در واقع چندین نفر دیگر، به ویژه ورزشکاران حرفه‌ای، نیز وجود دارند که بسیار برجسته بوده‌اند. الی هرینگ، متولد ۱۹۹۵، از ورود به خودداری کرد زیرا بازی‌ها یکشنبه‌ها برگزار می‌شوند و او احساس می‌کرد که باید به روز سبت NFL درفت، یعنی یکشنبه، احترام بگذارد.

او برای قراردادهای شش رقمی شانس زیادی داشت، اما با این حال حاضر به کوتاه آمدن از اصول خود نبود. نقل قول او این بود: یکشنبه روز کلیسا است، نه پول درآوردن. مایکل جونز در مسابقه جام جهانی نیوزیلند که قرار بود یکشنبه برگزار شود، یک بازیکن فوتبال، یا بهتر بگوییم یک بازیکن راگبی، یک ستاره راگبی ۱۹۹۱ بود.

و جونز به دلیل اینکه بازی یکشنبه بود، از بازی کردن خودداری کرد. و در نتیجه، تیمش سوم شد و جونز از یک قهرمان ملی به چیزی شبیه به یک شخصیت منفور در نیوزیلند تبدیل شد. بنابراین، حتی امروز، تلاش برای حفظ روز سبت می‌تواند اثرات مضر بر مردم داشته باشد.

بنابراین فرمان چهارم، روز سبت را به یاد داشته باش، آن را مقدس بدان، شش روز کار کن، می‌توانی تمام کارهایت را انجام دهی، اما روز هفتم سبت یهوه خدای توست. هیچ کاری نکن، تو یا پسر یا دخترت غلامت یا کنیزت، گاو یا مسافر درون دروازه‌هایت. زیرا در شش روز، خداوند آسمان‌ها و زمین و دریا و هر چه در آنهاست را ساخت و در روز هفتم استراحت کرد.

بنابراین، یهوه روز هفتم را مبارک خواند و آن را مقدس شمرد. پس روز سبت، روز سبت را به یاد داشته باشید. سبت به چه معناست؟ حال، این یکی از آن کلماتی است که محققان در ریشه‌شناسی آن دست برده‌اند، به نظر نسبتاً ساده می‌آید، و با این حال، البته، هرگز به آن سادگی که به نظر می‌رسد نیست.

ظاهراً این کلمه از فعل عبری «شَبَت» گرفته شده است که به معنای توقف کردن است. و «سَبَت» می‌تواند کلمه‌ای به معنای توقف یا متوقف کردن باشد. یکی از مشکلات این است که شکل اسمی در این مورد خیلی معنی نمی‌دهد، اما به نظر منطقی می‌رسد، زیرا شما از کار دست می‌کشید و بنابراین آن را روز پایان یا روز پایان یا هر چیز دیگری می‌نامید.

اینجا یک اهمیت دوگانه وجود دارد. واضح است که به پایان هفته اشاره دارد، بنابراین هفته به پایان رسیده است، اما همچنین به دست کشیدن از کار اشاره دارد. پیامدهای قانونی سبت، اینکه معنای آن برای کسی است که از کار خودداری می‌کرد چیست، این موضوع در عهد عتیق به خوبی تعریف نشده بود.

تا زمانی که فریسیان از راه نرسیدند، کسانی که تصمیم گرفتند انواع و اقسام قوانین را روی آن انباشته کنند تا حداقل از دیدگاه خودشان، معنای حفظ روز سبت را کاملاً روشن کنند، این موضوع خیلی واضح‌تر و حتی می‌توانیم بگوییم سنگین‌تر شد. خوب، پس سبت چیزی است که ما از نظر فنی آن را عجیب می‌نامیم. این ایده که شما یک روز را در نظر می‌گیرید و آن را به عنوان روز استراحت، روز خودداری از کار، روز عبادت، روزی که در آن پول در نمی‌آورید، کنار می‌گذارید، کمی با روحیه آمریکایی ما در تضاد است، شاید بگویید، زیرا یک آمریکایی واقعی ۲۴ ساعته و ۷ روز هفته کار می‌کند و این فضیلت است.

اینکه هرگز استراحت نکنیم، فضیلت است، و بنابراین ایده سبت برای ما کمی عجیب و غریب است. این از کجا آمده است؟ آیا در دنیای باستان افراد زیادی بودند که سبت را رعایت می‌کردند، و بنی اسرائیل اتفاقاً یکی از آنها بودند؟ خوب، به نظر نمی‌رسد که اینطور باشد. خوب، این کمی جالب است، می‌دانید، من در واقع تعدادی از اساتید را می‌شناسم که نمی‌دانستند ختنه در دنیای خاور نزدیک باستان بسیار رایج بوده است که بسیاری از مردم اطراف اسرائیل به روش‌های مختلف ختنه می‌کردند.

مصری‌ها وقتی پسر به حدود ۱۳ سالگی می‌رسید، ختنه را به عنوان یک آیین گذار انجام می‌دادند، که به نظر من کمی بی‌رحمانه است، اما می‌دانید، تابو بودن گوشت خوک چیز دیگری است که در دنیای باستان واقعاً رایج بود. چندین قوم دیگر در اطراف اسرائیل وجود داشتند که به جز یهودیان، گوشت خوک نمی‌خوردند، اما هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد هیچ یک از همسایگان اسرائیل هر روز هفتم را به عنوان روز استراحت رعایت می‌کردند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد مصری‌ها ممکن است روز دهم را کنار گذاشته باشند، اما شواهد واضح و روشنی وجود ندارد، خوب، تا حدودی متناقض است، و بنابراین واقعاً مشخص نیست که آنها چه اهمیتی به آن می‌دادند.

واضح است که برای اسرائیل، روز سبت یک نشانگر هویت بود. این روز نشانه‌ای از عهد سینا بود همانطور که ختنه نشانه‌ای از عهد ابراهیم بود. و بنابراین، آنها آن را چیزی می‌دانستند که آنها را منحصر به فرد می‌کرد و از سایر مردمان نیز متمایز می‌ساخت، و همینطور هم بود.

به همین سادگی. چرا این تصور به ذهنشان خطور کرد؟ از کجا آمده؟ خوب، حدود اوایل دهه ۱۹۰۰، یک مواجهه شد که به صورت (Sheputu) محقق آلمانی به نام ماینهولد با یک اصطلاح بابلی به نام شپوتو نیز تفسیر شده است، زیرا این تکواژ یا واج در زبان بابلی می‌تواند به هر دو صورت تلفظ (Sebutu) سبوتو شود. نظریه قدیمی این بود که سبوتو، که ظاهراً نوعی جشنواره در بابل بود که ماهانه برگزار می‌شد، ممکن است منشأ ایده اسرائیلی‌ها در مورد سبت باشد.

شواهد احتمالی وجود دارد، و برای مدت طولانی، این نظریه از مد افتاده بود، و با این حال اکنون به نظر می‌رسد که دوباره در حال بازگشت است. و بنابراین، خیلی خلاصه، برخی از چیزهایی که به نظر می‌رسد از این ایده پشتیبانی می‌کنند، اغلب در عهد عتیق وجود دارند، وقتی از سبت نام برده می‌شود، در ارتباط با ماه نو ذکر شده است. بنابراین، در کتاب پادشاهان، به چند قسمت نگاه خواهیم کرد که در مورد ماه نو یا سبت صحبت می‌کنند.

در کتاب‌های پیامبران، گاهی اوقات ذکر شده است که من از جشن‌های ماه نو و سبت‌های شما متنفرم. و بنابراین، ماه نو و سبت اغلب با هم مرتبط هستند. و بنابراین، این نظریه قدیمی حدس می‌زند که سبت می‌تواند به ماه کامل اشاره داشته باشد، و این به نوعی از ایده بابلی‌ها مبنی بر داشتن این جشن ماهانه گرفته شده است.

و بنابراین، سبت در اصل یک جشن ماهانه بود که در ماه نو جشن گرفته می‌شد. از سوی دیگر، برخی از متون بسیار باستانی در کتاب مقدس در مورد اینکه چگونه هر روز هفتم باید استراحت می‌کردید، و به حیوانات خود استراحت می‌دادید، و به زمین استراحت می‌دادید، و غیره، و غیره صحبت می‌کنند. اما برخی از آن متون، در واقع، برخی از متونی که محققان خیلی قدیمی در نظر می‌گیرند، از کلمه سبت استفاده نمی‌کنند.

بنابراین، این نظریه این است که در نهایت، روز سبت، که یک جشن ماه کامل بود، با روز هفتم استراحت، ادغام شد و به روز سبت تبدیل شد. بسیار حدسی است، شواهد زیادی پشت آن نیست. هوشمندانه است، اما مطمئن نیستم که واقعاً بتوانیم بگوییم که قانع‌کننده است یا خیر.

اگر این منبع نباشد، هنوز با برخی مسائل روبرو هستیم، زیرا کمی متناقض است. به عبارت دیگر، برخی از شواهد ناقص هستند. بنابراین، گزارش کتاب مقدس نشان می‌دهد که روز سبت حتی قبل از صدور ده فرمان در اسرائیل رعایت می‌شده است، که جالب است.

در اینجا، بخشی که بیشترین توجه ما را جلب می‌کند از خروج فصل ۱۶ است، و این داستان بخشیدن مَن است. بنابراین، به یاد دارید که داستان به این صورت پیش می‌رود که مردم به درگاه خداوند فریاد زدند و از نداشتن نان شکایت کردند، بنابراین خدا مَن فرستاد. هر روز صبح آنها بیرون می‌رفتند و مَن را جمع‌آوری می‌کردند، اما به آنها گفته شده بود که نباید در روز سبت مَن را جمع‌آوری کنند، و این در واقع اولین اشاره به روز سبت در کتاب مقدس است، خروج ۱۶.

او به آنها گفت: «این چیزی است که خداوند دستور داده است. فردا روز استراحت سبت، سبت مقدس خداوند است، پس هر چه می‌خواهید بپزید، بپزید و هر چه می‌خواهید بجوشانید، هر چه باقی می‌ماند را نگه دارید و تا صبح نگه دارید.» این قبل از خروج فصل ۲۰ است، قبل از اینکه شریعت در سینا داده شود.

بنابراین، مفهوم این است که روز هفتم، پیش از ابلاغ شریعت در سینا، به عنوان استراحت سبت کنار گذاشته شده بود. اهمیت آن، کمی دشوار است. آنها آن را تا صبح نگه داشتند و موسی دستور داد که اگر بو نگرفت یا کرم نخورد، امروز آن را بخورند، موسی گفت، زیرا امروز سبت خداوند است.

امروز هیچ چیزی در زمین پیدا نخواهید کرد، که ممکن است دلالت بر این داشته باشد که خود خدا در روز سبت استراحت می‌کند. شش روز باید آن را جمع کنید، اما در روز هفتم سبت، چیزی وجود نخواهد داشت. بنابراین، این اولین اشاره به سبت در کتاب مقدس است، و همانطور که دوباره می‌گویم، قبل از اعطای شریعت در سینا رخ می‌دهد.

آیا این عجیب به نظر می‌رسد؟ خب، کمی، اما می‌دانید، باید به یاد داشته باشید که بنی اسرائیل معتقد بودند، که نباید کسی را کشت، قبل از اینکه در سینا به آنها دستور داده شود که نباید کسی را بکشید. بنابراین اینکه آنها حتی قبل از دریافت دستور رسمی، باید سبت را رعایت می‌کردند، به این معنی است که دستور در عهد سینا آن را رسمیت بخشید، اما این بدان معنا نیست که هیچ امکانی برای رعایت سبت قبل از اعطای قانون سبت وجود نداشته است. طبق خروج ۲۰، پایه و اساس سبت در خلقت است و همچنین خروج ۳۱ این تأیید را تکرار می‌کند ۱۷.

چرا روز سبت را گرامی می‌داریم؟ ما روز سبت را گرامی می‌داریم زیرا خدا خودش این اصل را بنا نهاد. خدا شش روز کار کرد. در روز هفتم، خدا از کار خود استراحت کرد.

بنابراین، شما می‌توانید شش روز کار کنید، اما در روز هفتم، باید استراحت کنید. تثنیه ۵ به خلقت اشاره نمی‌کند. ما این را شاید از چند سخنرانی قبل به یاد داریم.

بلکه، دلیل دیگری برای روز سبت ارائه می‌دهد. به یاد داشته باش، تو در سرزمین مصر برده بودی. خداوند، خدای تو، تو را با دستی قدرتمند و بازوی دراز از آنجا بیرون آورد.

بنابراین، خداوند، خدای شما، به شما فرمان داد که روز سبت را نگه دارید. بنابراین، این نوع دیگری از منطق است که مبتنی بر رابطه عهدی بین خدا و اسرائیل است، که بسیار مهم و بسیار محوری در کل پیام تثنیه بود. و بنابراین، در متن تثنیه، این منطق تا حدودی منطقی به نظر می‌رسد.

در غیر این صورت، می‌دانید، شما تکرار ده فرمان در تثنیه را می‌خوانید، و همه چیز تقریباً مشابه کتاب خروج است. بنابراین، من فکر نمی‌کنم که ما باید این‌ها را متناقض ببینیم. بلکه فکر می‌کنم باید این‌ها را مکمل هم بدانیم.

من فکر می‌کنم منطقی که در ابتدا در ذهن بنی اسرائیل وجود داشت این بود که چرخه روز هفتم توسط خدا در زمان خلقت تعیین شده بود، و با توجه به اینکه بنی اسرائیل خودشان برده بودند، می‌دانستند که کار کردن و کار کردن و رانده شدن بدون استراحت چیست. آنها باید افرادی دلسوز می‌بودند، زیرا خداوند هنگام بیرون آوردن آنها از مصر، دلسوزی خود را به آنها نشان داده بود. اعداد و لاویان اغلب در مورد سبت بحث می‌کنند، اما هرگز دلیلی برای رعایت سبت ارائه نمی‌دهند.

بنابراین، می‌توان گفت که ما با کمی معمای الهیاتی گیر افتاده‌ایم. آیا خدا نیاز به استراحت دارد؟ اگر داستان پیدایش را خیلی تحت‌اللفظی در نظر بگیرید، می‌دانید، خدا در روز هفتم از کار خود دست می‌کشد و سپس روز هفتم را متبرک می‌کند و روز هفتم روزی می‌شود که قوم او نیز باید به پیروی از خدا استراحت کنند. می‌توانیم این را خیلی تحت‌اللفظی در نظر بگیریم، اما اگر این کار را بکنیم، برخلاف یک سنت دیرینه در کلیسا و یهودیت عمل کرده‌ایم که این را بیشتر به صورت مجازی تا به صورت تحت‌اللفظی در نظر گرفته است.

هم یهودیان و هم مسیحیان از این تصور که خدا نیاز به استراحت دارد، رنجیده خاطر شدند. و بنابراین، به جای تفسیر تحت‌اللفظی این، هر دو استدلال کردند، هر دو سنت، معتقد بودند که این داستان قرار است درسی برای ما باشد، نه به این دلیل که خدا به استراحت نیاز داشت، بلکه به این دلیل که ما به استراحت نیاز داریم. و بنابراین، اصل وجود یک روز استراحت در خود خلقت، به عنوان راهی برای ایجاد یک ریتم زندگی که واقعاً برای جهان اساسی است، تعیین شده است.

سبت قرار نیست فقط یک چیز یهودی باشد. قرار نیست فقط یک چیز اسرائیلی باشد. سبت مانند مقررات مربوط به نخوردن گوشت خوک نیست.

این مثل مقررات مربوط به عدم استفاده از دو نوع جنس مختلف در لباس نیست. بلکه، سبت حتی قبل از هر یک از این اصول برقرار شده است و به نوعی برای تمام طبیعت، نه فقط برای قوم یهود، الزام آور است. البته، به عنوان بخشی از ده فرمان، به بخش خاصی از رابطه بین خدا و قومش تبدیل می‌شود، همانطور که می‌گویند، یک نشانگر هویت.

و با این حال، منطق فراتر از آن زمینه می‌رود و آن را در زمینه وسیع‌تری از رابطه خدا با تمام خلقت قرار می‌دهد. حال، در عهد عتیق، از لحاظ تئوری، مجازات شکستن سبت بسیار بسیار شدید بود. اعداد ۱۵، در حالی که مردم اسرائیل در بیابان بودند، مردی را یافتند که در روز سبت مشغول جمع آوری هیزم بود.

و کسانی که او را در حال جمع کردن هیزم یافتند، او را نزد موسی و هارون و تمامی جماعت آوردند. آنها او را در زندان نگه داشتند، زیرا مشخص نشده بود که با او چه باید کرد. و خداوند به موسی گفت: «این مرد را باید کشته شود.»

تمام جماعت او را بیرون از اردوگاه با سنگ سنگسار کنند. و تمام جماعت او را بیرون از اردوگاه آوردند و همانطور که خداوند به موسی دستور داده بود، با سنگ سنگسارش کردند تا بمیرد. ایده اینجا این است که جامعه با عمل او در معرض خطر قرار گرفته بود.

و بنابراین، جامعه مسئولیت مجازات او را بر عهده می‌گیرد. حدس می‌زنم برای ما دشوار است که ذهن خود را در مورد مجازاتی به این شدت برای چیزی که به نظر ما بسیار جزئی است، متمرکز کنیم. اما وقتی به آن فکر می‌کنید، و به عواقب احتمالی تصمیم یک نفر مبني بر نادیده گرفتن روز سبت، فکر می‌کنم می‌تواند کمی منطقی‌تر برای ما شود، حداقل، حتی اگر، می‌دانید، فکر نمی‌کنم شوک آن هرگز کاملاً از بین برود.

اما یادم می‌آید وقتی خیلی خیلی سال پیش در ویلمور، کنتاکی، طلبه بودم، جامعه در آن روزها تغییراتی را تجربه می‌کرد. ویلمور شهری بود که ما به آن شهر آبی می‌گوییم، می‌دانید، جایی که یکشنبه‌ها هیچ کاری انجام نمی‌شد و همه چیز تعطیل بود. و خوب، یک نفر تصمیم گرفت که فروشگاه رفاه خود را یکشنبه‌ها باز کند.

و یکی از استدلال‌هایی که علیه آن مطرح شد، منظورم این است که واقعاً در شهر کوچک ویلمور، کنتاکی، جنجال زیادی به پا کرد. اما یکی از استدلال‌هایی که مطرح شد این بود که وقتی یک کسب و کار در روز یکشنبه باز می‌شود، همه کسب و کارها فکر می‌کنند که باید روز یکشنبه باز باشند. و اتفاقی که افتاد این بود که در واقع، آن کسب و کار در روز یکشنبه باز شد.

و بسیاری از ما، از جمله خودم، با اعترافات واقعی، واقعاً یکشنبه‌ها به آن مغازه کوچک سر می‌زدیم و چیزهایی می‌خریدیم. و حالا، ویلمور دیگر یک شهر آبی نیست. می‌دانید، بسیاری از مغازه‌های دیگر یکشنبه‌ها باز هستند.

آیا آن اولین کار، مثلاً باز کردن سدها یا چیزی شبیه به آن، بوده است؟ به احتمال زیاد. کاملاً درست است که جامعه به عنوان یک کل ممکن است نیاز به رقابت و پیروی از الگوی ارائه شده را احساس کند. و بنابراین ایده اینجا این بود که جامعه خود را موظف به نظارت بر خود می‌دانست تا مطمئن شود که سبت در طول نسل‌هایشان رعایت می‌شود.

اینکه اگر یک نفر فکر کند که می‌تواند با کار کردن در روز سبت پیشرفت کند، به زودی همه احساس تعهد می‌کنند که همین کار را انجام دهند. خوب، در مورد تاریخ عهد عتیق چطور؟ ما چگونه روز سبت را در بقیه عهد عتیق به کار می‌گیریم و به کار می‌گیریم؟ به غیر از اسفار پنجگانه، به ندرت می‌بینیم که از سبت نامی برده شود. و ما قبلاً چند قسمت در دوم پادشاهان ذکر کرده‌ایم.

ما در اینجا در مورد آنها صحبت خواهیم کرد. اما یوشع، داوران، اول و دوم سموئیل، اول پادشاهان هرگز به روز سبت اشاره نکرده‌اند، که ممکن است باعث شود کسی تعجب کند، می‌دانید، آیا سبت واقعاً در آن روزها رعایت می‌شود؟ دوم پادشاهان ۴:۲۳، شوهر شوئمی گفت، چرا امروز نزد الیشع نبی برویم؟ نه ماه نو است و نه سبت. و او گفت، آرام باشید.

این هم یکی از آن قسمت‌هایی است که به نظر می‌رسد سبت را با ماه نو مرتبط می‌کند. و باز هم، ماه نو چیزی است که، البته، ماهی یک بار اتفاق می‌افتد. این یک روز جشن ویژه خواهد بود.

ظاهراً در اینجا سبت به عنوان یک روز مذهبی در نظر گرفته می‌شود، نه به عنوان یک روز استراحت. نکته جالبی که باید در مورد آن فکر کرد، و باز هم، یکی از طعنه‌ها و مشکلات مربوط به سبت و تدوین آن این است که او قرار است به سفری برای دیدن پیامبر، مرد خدای برود. و شوهرش می‌گوید، چرا می‌خواهی به دیدن مرد خدا بروی؟ و چرا می‌خواهی این سفر را انجام دهی؟ این روز سبت نیست.

می‌دانید، طبق سنت یهود، آنها نباید در روز سبت سفر می‌کردند. بنابراین آیا سبت در اینجا به همان شکلی که بعداً فهمیده شد، فهمیده شد؟ نمی‌دانم. این متن چیزی است که ما آن را گیج‌کننده می‌نامیم.

در دوم پادشاهان، باب ۱۱، به نگهبانانی که در روز سبت در خانه پادشاه مشغول به کار بودند اشاره شده است و در مورد تغییر نگهبانان صحبت می‌کند. یک دوره نگهبانان از وظیفه خود خارج می‌شدند و دوره دیگری از نگهبانان در روز سبت به وظیفه خود برمی‌گشتند. بنابراین ظاهراً کار نگهبانان در معبد، نقض قانون سبت محسوب نمی‌شد.

باشه؟ که باز هم ممکن است باعث شود برخی، به این تصور که سبت در آن زمان بیشتر یک روز جشن بوده تا یک روز استراحت، اعتبار ببخشند. همانطور که گفتم، اینجا خیلی آسان نیست. باشه؟ از طرف دیگر، وقایع‌نگار چندین بار، چندین بار، به قربانی‌های سبت اشاره می‌کند.

قربانی‌های سبت هرگز به دلایلی نقض سنت سبت تلقی نمی‌شدند، اما همیشه بخش اساسی از رعایت سبت بود. و در طومارهای دریای مرده، متنی به نام سرودهای قربانی‌های سبت وجود دارد که به نظر می‌رسد دلالت بر این دارد که این نه تنها یک امر یهودی است، بلکه در خود بهشت قرار دارد، که فرشتگان در آسمان هر روز سبت نیز قربانی می‌کنند و این سرودها، این آهنگ‌های مختلف را که برای همراهی با قربانی‌های سبت نوشته شده‌اند، می‌خوانند، به طوری که قومان یا جامعه طومارهای دریای مرده، هنگام انجام این قربانی‌ها در روز سبت، احساس می‌کردند که این کار را در اتحاد با فرشتگانی انجام می‌دهند که آنها نیز در آسمان قربانی می‌کنند. بار دیگر، در آن زمان، در زمان نگارش طومارهای دریای مرده، چند صد سال قبل از عیسی، آنها به وضوح این حس را داشتند که سبت فقط مربوط به اسرائیل نیست.

سبت در خود آفرینش مقرر شده است. نحما ۱۰، ۳۱ و ۱۳، ۱۵ تا ۲۲، فرماندار ممنوعیت تجارت در سبت را اعمال کرد. ارمیا، یکی از شکایات بزرگ خود را از مردم یهودا در زمان خود، از مردم اورشلیم، این بود که آنها دروازه‌ها را باز نگه می‌داشتند و تجارت در روز سبت انجام می‌شد.

و در اینجا، وقتی نحما فرماندار می‌شود و به قدرت می‌رسد، ممنوعیت هر نوع تجارت در روز سبت را وضع می‌کند. جالب اینجاست که گفته نمی‌شود افرادی که با انجام فعالیت‌های روز سبت، سبت را نقض می‌کردند، اعدام شده‌اند. بنابراین ظاهراً، اگرچه آنها در زمان نحما شروع به اجرای ممنوعیت‌های تجارت سبت کردند، اما در مورد نحوه مجازات کسانی که سبت را می‌شکستند، واقعاً سختگیر نبودند.

در نوشته‌های پیامبران، چند اشاره به سبت داریم، چه پیامبران پیش از تبعید و چه پس از تبعید، بنی‌اسرائیل را به خاطر انجام تجارت در روز سبت محکوم می‌کنند. بنابراین اگر می‌خواهید در مورد احکامی صحبت کنید که به نظر می‌رسد کمترین میزان اجبار به آنها وجود داشته، سبت یکی از آنهاست. عاموس ۸:۵، عاموس البته یکی از اولین پیامبران، شاید یکی از اولین کتاب‌های نوشته شده در عهد عتیق به شکلی که در دست داریم، است، اما عاموس می‌گوید، ماه نو چه زمانی تمام می‌شود تا بتوانیم غلات و سبت را بفروشیم تا بتوانیم گندم را برای فروش عرضه کنیم؟ نکته جالب اینجاست که این بدان معناست که قرار نبود در روز سبت تجارت کنند و آنها این را می‌دانستند و ظاهراً در زمان عاموس در اسرائیل این کار منع می‌شد.

ارمیا ۱۷ جایی است که او در مورد حمل بار به عنوان بی‌احترامی به سبت صحبت می‌کند و به مردم می‌گوید که از حمل وسایل خودداری کنند. حزقیال ۲۰، اسرائیل سبتی را که خدا به عنوان نشانه‌ای، مثلاً یک نشانگر هویت، داده بود، بی‌حرمت کرد. سبت نشانه‌ای است که اسرائیل رابطه ویژه‌ای با خدا دارد و حزقیال می‌گوید که آنها با ننگ نداشتن سبت، آن رابطه را نقض کرده‌اند. من معتقدم اشعیا ۵۶، بخش پس از تبعید نیز، وعده می‌دهد که برای خواجه‌ها و بیگانگانی که سبت را بی‌حرمت نمی‌کنند، پادشاهی وجود خواهد داشت، زیرا این افراد با بر عهده گرفتن مسئولیت‌هایی که با عهدی که خدا با اسرائیل بسته است، همراه است، به بخشی از جامعه پیمان خدا تبدیل می‌شوند.

یهودیت معبد دوم زمانی است که ننگ نداشتن سبت واقعاً به یک نشانگر هویت تبدیل می‌شود. باید درک کنید که در این مرحله، اسرائیل تعامل بسیار بیشتری با همسایگان خود برقرار می‌کند و تمایز قائل شدن بین خود و همسایگان نشان برای آنها بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند، بنابراین آن اعمالی که آنها را از غیریهودیان متمایز می‌کرد، حداقل برای برخی از فرقه‌های یهودیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کرد. در آن روزها، برخی از فرقه‌های یهودیت می‌خواستند فقط با دیگران ترکیب شوند و مانند دیگران شوند. کتاب مکابیان حتی در مورد تلاش آنها برای لغو ختنه‌شان صحبت می‌کند.

بنابراین آنها در برخی از بخش‌های یهودیت به افراط می‌رفتند تا مانند هر کس دیگری باشند که می‌شناسید و البته واکنش به این امر این بود که مردم بر چیزهایی که آنها را از دیگران متمایز می‌کرد، تأکید بیشتری می‌کردند و بنابراین قطبی شدن در حال وقوع بود. بنابراین در دوره معبد دوم، حفظ سبت به یک موضوع بسیار مهم برای درگیری تبدیل می‌شد. باز هم حفظ سبت به یک نشانگر هویت تبدیل شد.

طبق کتاب اول مکابیان ۱۴۳، یونانی‌سازی یهودیان در یهودیه، حرمت روز سبت را خدشه‌دار کرد. بنابراین آنها نه تنها سعی در لغو ختنه خود، نشان عهد موسی، دارند، بلکه سعی در لغو سبت، نشان رابطه ویژه خدا با قوم اسرائیل، نیز دارند. و این موضوع واقعاً در طول آزار و اذیت انطاکیه به یک مسئله مهم تبدیل شد، زیرا در آن زمان یهودیان با این واقعیت روبرو بودند که در حال جنگ با یونانیان، مقدونیان و متحدان آنها هستند که به روز سبت احترام نمی‌گذارند.

و بنابراین در یک حادثه معروف، ما این فرقه و چند فرقه اصلی را در ابتدای شورش داریم، فرقه حسیدی‌ها اگر بخواهید می‌توانید بگویید، فرقه متقیان، و فرقه مکابی‌ها. گروهی از حسیدی‌ها در روز سبت توسط، نیروهای یونانی مورد حمله قرار گرفتند و آنها از دفاع از خود امتناع کردند. در روز سبت بود که آنها از برداشتن شمشیر خودداری کردند و بنابراین همه آنها قتل عام شدند.

مکابی‌ها در آن زمان سوگند یاد کردند که با هر کسی که به ما حمله کند، حتی اگر در روز سبت ما باشد، مبارزه خواهیم کرد. بنابراین مکابی‌ها این سیاست را اتخاذ کردند که می‌گفت حفظ هویت از این نشانگر هویتی مهم‌تر است. این بدون جنجال نبود و افرادی بودند که بعداً از آنها به خاطر این موضوع انتقاد کردند و هنوز هم افرادی هستند که امروز بحث می‌کنند که آیا این انتخاب درستی بوده یا خیر.

اما می‌دانید، بعضی‌ها می‌گویند اگر آنها این کار را نمی‌کردند، همه یهودیان نابود می‌شدند. این درست نیست. این حرف به این دلیل درست نیست که یهودیانی بسیار فراتر از دوران آزار و اذیت انطاکیه وجود داشتند.

یهودیانی در بابل، یهودیانی در ایران و یهودیانی در مصر بودند، یهودیانی که در معرض همان نوع آزار و اذیتی که آنتیوخوس بر یهودیان در یهودیه اعمال می‌کرد، قرار نمی‌گرفتند. بنابراین نمی‌توانیم بگوییم که مکابیان با تصمیم به جنگیدن در روز سبت، قوم یهود را حفظ کردند. البته روی دیگر سکه این است که اگر این خبر پخش می‌شد که یهودیان در روز سبت از خود دفاع نمی‌کنند، مسلماً یک سیاست بسیار عاقلانه برای یونانیان این بود که فقط در روز سبت به آنها حمله کنند و خیلی زود شورش انطاکیه و شورش مکابیان پایان می‌یافت.

دوره معبد، پس از دوران آزار و اذیت و غیره، پس از اینکه یهودیان توسط رومی‌ها فتح شدند، یهودیان بخشی از این جامعه بسیار بزرگتر از مردم شدند. و گاهی اوقات در ذهن ما ثبت نمی‌شود که حضور یهودیان در امپراتوری روم چقدر مهم بوده است. از آنجا که یهودیان معتقد بودند داشتن فرزندان زیاد نشانه نعمت‌های الهی است، تمایل داشتند خانواده‌های بسیار بزرگی داشته باشند.

و این از توجه یونانیان و رومی‌ها دور نماند، زیرا یونانیان و رومی‌ها شیفته‌ی داشتن خانواده‌های بسیار کوچک بودند، معمولاً یک، شاید گاهی دو فرزند. در حالی که یک یهودی به طور متوسط شش، هفت یا هشت فرزند، چه کسی می‌داند چند فرزند؟ می‌دانید، کنترل بارداری در آن روزها واقعاً مؤثر نبود. و بنابراین رومی‌ها و یونانی‌ها نوزادکشی می‌کردند.

و اینگونه بود که آنها خانواده‌های خود را کوچک نگه می‌داشتند. یهودیان از این رسم وحشت داشتند و از انجام آن امتناع می‌کردند. بنابراین یهودیان گسترش یافتند و بزرگ شدند.

و بسیاری از تخمین‌ها می‌گویند که آنها احتمالاً بزرگترین گروه قومی در امپراتوری روم بودند. و یهودیان آنها را جالب می‌دانستند، نه رومی‌ها، بلکه یهودیان را جالب می‌دانستند. رومی‌ها واقعاً مجذوب یهودیان بودند.

آنها از آنها متنفر بودند. سیسرو، خطیب مشهور رومی، چندین سخنرانی داشت که در آنها یهودیان را مورد انتقاد قرار داد. و از این سخنرانی‌ها، یکی از چیزهایی که می‌آموزیم این است که رسم یهودیان در نگه داشتن روز سبت توسط زنان رومی تقلید می‌شد.

و خب، سیسرو از این موضوع وحشت داشت. اما روز سبت داشت به چیزی فراتر از یک چیز یهودی تبدیل می‌شد. داشت تبدیل می‌شد، اوه، این یه جورایی عجیب و غریب نیست؟ خب، همه در جامعه بالای روم سعی می‌کردند به نوعی شبیه یهودیان باشند، می‌دانید.

خیلی جالبه، چون یه جورایی انگار رومی‌ها مجذوب هر چیزی که جدید به نظر می‌رسیدن، و مخصوصاً چیزهایی که از شرق می‌آمدن و کمی عجیب و غیرمعمول به نظر می‌رسیدن، مثل، می‌دونید، اون اسم مخفی یهوه، مثلاً. بنابراین روز سبت یهودی توسط برخی از غیریهودیان، برخی از رومی‌ها، و نه به هیچ وجه توسط همه اونها، نه به هیچ وجه، بلکه توسط برخی از رومی‌ها هم پذیرفته شد. بنابراین، همانطور که اشاره شد، این روز بیشتر به رسمیت شناخته می‌شد.

و برای رومی‌ها، نوعی دوگانگی جالب در مورد سبت وجود داشت. از یک طرف، آنها فکر می‌کردند که این فقط بهانه‌ای برای تنبلی است. بسیاری از آنها ادعا می‌کردند که یهودیان همگی آدم‌های تنبلی هستند و شما نمی‌توانید آنها را در روز سبتشان مجبور به کار کنید، و اگر یک برده یهودی داشتید، نمی‌توانستید در آن روز سبت از آنها کار خوبی بیاورید.

از طرف دیگر، این شیفتگی و این تقلید وجود داشت که در حال وقوع بود. دیدگاه بسیار جالبی است. عیسی در مورد سبت چه می‌گوید؟ خب، می‌دانید، این یکی از درگیری‌های اصلی عیسی با فریسیان و دیگر رهبران مذهبی زمان خود می‌شود، زیرا همانطور که اشاره کردم، می‌دانید، ده فرمان کمی مبهم هستند.

روز سبت را به خاطر داری؟ خب، به خاطر سپردن آن چه معنایی دارد؟ اوه، هی، این یک روز سبت است. تقریباً فراموش کرده بودم. نه، احتمالاً کمی بیشتر از آن.

به یاد داشته باشید، هر هفته دوباره آن را مطرح کنید. روز سبت را به یاد داشته باشید. آن را مقدس نگه دارید.

آن را تقدیس کنید. شما کار نمی‌کنید. شما در شش روز دیگر کار خود را انجام می‌دهید، اما در روز هفتم کار نمی‌کنید.

خب، این هم از این. شما در روز سبت هیچ کاری انجام نمی‌دهید. چطور آن را مقدس نگه می‌دارید؟ خب، در نهایت، البته، آنها این قربانی‌های سبت را دارند که همیشه انجام می‌دهند و مراسم کنیسه را در مناطق خارج از کشور برگزار می‌کنند.

اما شما مجاز به انجام چه کاری بودید؟ مجاز به انجام چه کاری نبودید؟ چه چیزی کار محسوب می‌شد؟ می‌دانید، مردی که در روز سبت هیزم جمع می‌کرد، ظاهراً تا حدی کار محسوب می‌شد که به خاطر آن او را سنگسار می‌کردند. وقتی به این موضوع فکر می‌کنید، جالب است. از خود می‌پرسید که آیا او را تا روز بعد قبل از سنگسار کردنش نگه داشته‌اند یا نه.

آیا سنگسار کردن او تا سر حد مرگ، کار محسوب می‌شد؟ برداشتن چوب کار است. برداشتن سنگ؟ به هر حال، فریسیان و دیگر فرقه‌های یهودی مجموعه‌ای از قوانین را در مورد آنچه کار محسوب می‌شد، تدوین کردند. و مطمئناً، می‌بینیم که برخی از قوانین بعدی که در میشنا و تلمود می‌یابیم، قبلاً در انجیل‌ها منعکس شده‌اند.

و این موارد شامل مواردی مانند این سوال می‌شود که آیا می‌توان کسی را در روز سبت شفا داد یا خیر. و من یک بار در دانشگاه شیکاگو کلاسی تدریس می‌کردم و چند دانشجوی یهودی در کلاس بودند. و یکی از آنها در مورد این موضوع، در مورد انجیل‌ها که می‌گویند فریسیان به دلیل شفای عیسی در روز سبت عصبانی بودند، کاملاً پرخاشگر شد.

و او گفت، هیچ یهودی هرگز نمی‌گوید که نمی‌توان کسی را در روز سبت شفا داد. و من گفتم، و به او اشاره کردم که در میشنا، کتاب مقدس یهودیان، آمده است که اگر کسی در روز سبت استخوانش شکست، اجازه نداشتید استخوان را جا بیندازید، اجازه نداشتید دست یا پای شکسته را صاف کنید می‌توانستید آن را خیس کنید، اما نمی‌توانستید آن را در روز سبت بمالید. بنابراین بله، این ایده که مالیدن استخوان شکسته یا تلاش برای جا انداختن استخوان شکسته در روز سبت کار محسوب می‌شود، در قانون یهود نهادینه شد.

و همانطور که گفتم، دوباره می‌بینیم که این موضوع قبلاً در انجیل‌ها منعکس شده است. وقتی عیسی به خاطر شفا دادن مردی در روز سبت به دردسر می‌افتد، خب، نه یک بار، بلکه چندین بار، درست است؟ عیسی اغلب با فریسیان در مورد رعایت روز سبت درگیر می‌شد. آیا کاهش رنج انسان در روز سبت قانونی است؟ روزی شاگردانش از مزرعه‌ای عبور می‌کردند و در حین عبور از مزرعه، خوشه‌های گندم را می‌چیدند و می‌خوردند.

و فریسیان می‌گویند، چرا شاگردان شما کاری را انجام می‌دهند که در روز سبت جایز نیست؟ اگر تمام دانه‌ها در جایی روی هم تلنبار شده بودند و آنها یک مشت برمی‌داشتند و می‌خوردند، این نقض روز سبت محسوب نمی‌شد. اما چون آنها دانه‌ها را می‌چینند، این نقض سبت است. و عیسی با تعریف داستان چگونگی خوردن نان تقدیس شده توسط داوود و یارانش در هنگام گرسنگی به آنها پاسخ می‌دهد و این جمله فوق‌العاده را در مورد چگونگی ایجاد سبت برای منفعت بشریت، نه بشریت برای سبت، بیان می‌کند.

ما برای حفظ روز سبت آفریده نشده‌ایم. سبت برای منفعت ما آفریده شده است. می‌دانید، و اساساً آنچه برای عیسی اهمیت دارد این است که اگر حفظ روز سبت به یک بار سنگین تبدیل شود، پس شما هدف اصلی روز سبت را تضعیف کرده‌اید، درست است؟ او رویکردی عملی به سبت داشت.

مزایای خودش را حفظ کند، مزایای استراحت را حفظ کند، مزایای عبادت را حفظ کند، اما نه با پایبندی قانونی به مجموعه‌ای از قوانین. این واضحاً همان چیزی بود که عیسی سعی داشت با سبت به ما بفهماند. سبت قرار است برای ما مفید باشد، نه باری بر دوش ما.

بعداً در عهد جدید، می‌بینیم که تأکید مداومی بر سبت وجود دارد، اما چندین بار به روز سبت اشاره شده است. کتاب اعمال رسولان چندین بار رفتن شاگردان به کنیسه در روز سبت را به تصویر می‌کشد. بنابراین آنها همچنان سبت را رعایت می‌کنند، اگرچه پیروان عیسی هستند، همچنان به کنیسه می‌روند و معمولاً در آنجا تدریس می‌کنند، درست است؟ پولس به کولسیان، که احتمالاً اکثر آنها در اصل یهودی نبودند، هشدار داد که اجازه ندهند مردم آنها را در مورد نحوه نگه داشتن روز سبت قضاوت کنند.

و سوال جالب اینجاست، آیا پولس به کولسیان می‌گوید که آنها مجبور نیستند سبت را نگه دارند، که می‌توانند آن را نادیده بگیرند؟ من اینطور فکر نمی‌کنم. بلکه، این مربوط به آن یهودی‌گرایان است، آن افرادی که می‌خواهند قوانینی را در مورد نحوه رعایت سبت به کولسیان تحمیل کنند. و پولس می‌گوید، اجازه ندهید که به شما بگویند که این کار را اشتباه انجام می‌دهید.

آن را به روشی که برای شما مناسب است انجام دهید. چه مزایایی دارید؟ این رویکرد عیسی است. چه، مزایایی دارید؟ روز سبت چگونه برای شما مفید است؟ چگونه روز استراحت برای شماست؟ در عبرانیان، در کتاب عبرانیان، سبک تفسیر اسکندریه که معمولاً در کتاب عبرانیان می‌بینیم، سبک تفسیر اسکندریه دوست دارد در بسیاری از این اعمال و قوانین عهد عتیق، جنبه معنوی پیدا کند و معانی معنوی بیابد.

و به نظر می‌رسد نویسنده‌ی ما در عبرانیان نیز از همین الگو پیروی می‌کند. وقتی او اهمیت معنوی روز سبت را می‌بیند، استدلال می‌کند که سبت پیشگویی از آرامشی است که در بهشت خواهیم داشت. حال، گاهی اوقات برخی افراد در این مورد مرا به چالش می‌کشند که می‌گویند، خب، مگر کتاب عبرانیان نمی‌گوید که ما مجبور نیستیم سبت را اینجا انجام دهیم زیرا سبت در بهشت منتظر ماست؟ فکر نمی‌کنم نویسنده‌ی عبرانیان چنین چیزی را می‌گوید.

فکر می‌کنم منظورش این است که آنجا ما یک سبت واقعی و خالص را تجربه خواهیم کرد. سبت‌هایی که اینجا داریم به نوعی شبیه پیش‌آگاهی هستند. یه جورایی مثل اینه که، می‌دونی، یه جورایی افلاطونی است. می‌دونی، سبت خالص و بی‌نقص چیزیه که ما در بهشت ازش لذت خواهیم برد.

سبت‌هایی که اینجا داریم، بازتابی مبهم از آن سبت خالص و کامل هستند که وقتی در حضور خدا هستیم، در آنجا اتفاق می‌افتد. باید اشاره کنم که هیچ نویسنده‌ای از عهد جدید در واقع ایده نگه داشتن سبت را رد نمی‌کند. هیچ کس در عهد جدید نمی‌گوید که نیازی به نگه داشتن سبت ندارید، یا مطمئناً هیچ کس نمی‌گوید که روز سبت را نگه نخواهید داشت.

آیا اصول روز سبت در عهد جدید به طرق مختلف اعمال می‌شود؟ مطمئناً مسیحیت و یهودیت در این مرحله از هم جدا شدند. شکی در این نیست. حال، در نهایت مسیحیت قوانین و مقرراتی را در مورد رعایت روز سبت خود تدوین کرد، اما این روحیه با روحیه‌ای که در یهودیت غالب بود، متفاوت بود.

خب، چطور می‌توانیم از شنبه به یکشنبه برویم؟ همیشه یک سوال جالب وجود دارد، می‌دانید، و یک بار دیگر، ما در زمان رسولان می‌بینیم، عهد جدید به ما می‌گوید که مسیحیان در روز اول هفته، یکشنبه، روز رستخیز مسیح، جمع می‌شدند. آنها این کار را طبق اعمال رسولان ۲۰، طبق اول قرن‌تین انجام دادند. آنها در روز اول هفته دور هم جمع می‌شدند.

آیا آنها هنوز هم بودند؟ آیا آن را سبت می‌نامیدند؟ نه، آنها در آن زمان آن را روز سبت نمی‌خواندند. روز خداوند وجود داشت، اولین روز هفته بود و آن به عنوان زمان ویژه عبادت کنار گذاشته می‌شد. چرا آنها این کار را می‌کردند؟ به احتمال زیاد، این به این واقعیت مربوط می‌شود که در دنیای روم، یکشنبه روز استراحت بود، روزی که از کار تعطیل می‌شدید، و دلیل آن این است که معمولاً روزی بود که آنها جشن‌های بزرگی در مورد خورشید و این نوع چیزها برگزار می‌کردند.

بنابراین، وقتی این مهمانی‌های بزرگ را در روز یکشنبه برگزار می‌کردید، برده‌هایتان را از کار مرخص می‌کردید در حالی که مسیحیان از این فرصت استفاده می‌کردند و دور هم جمع می‌شدند و جلسات خود را برگزار می‌کردند، زیرا بسیاری از مسیحیان اولیه برده بودند. می‌دانید، بسیاری از آنها مجبور بودند روز شنبه کار کنند، بنابراین به جای آن، فقط در روز یکشنبه ملاقات می‌کردند. همانطور که کلیسا غیریهودی‌تر می‌شد، با تمرکز بیشتر بر روز یکشنبه، شروع به فاصله گرفتن از یهودیان کرد.

و ما این را در برخی از سخنان برخی از پدران اولیه کلیسا می‌بینیم. پیش از این، تا سال ۱۰۰ میلادی، رسم بر این بود که کلیسا یکشنبه را به عنوان روز عبادت و استراحت خود به جای شنبه در نظر می‌گرفت. و بله، پدران اولیه کلیسا بودند که شنبه سبت یهودی را رد می‌کردند.

و بنابراین درگیری از این نقطه شروع شد. به نظر می‌رسد که به روشی بسیار عملی شروع شده است، راهی برای احترام به این واقعیت که قرار است یک روز استراحت و یک روز عبادت و تمرکز بر خدا داشته باشید، اما به دلیل تقویم رومی نمی‌توانستید این کار را در روز شنبه انجام دهید. فکر می‌کنم عیسی تأیید می‌کرد، می‌دانید، و شما روز تعطیل یکشنبه را با معنای جدیدی القا کردید.

این روزی است که خداوند نور را آفرید. این روزی است که عیسی از مردگان برخاست. چه روزی بهتر از یکشنبه برای ما که برای عبادت، استراحت و خانواده دور هم جمع شویم؟ و بنابراین یکشنبه به نوعی نشانگر هویت مسیحی شد.

رسمیت یافتن روز یکشنبه به عنوان روز استراحت در سال ۳۱۳ میلادی اتفاق افتاد، زمانی که امپراتور کنستانتین آن را اعلام کرد. در واقع روز سبت کمی دیرتر از یکشنبه، که به عنوان روز سبت مسیحی اعلام شد، فرا رسید. و من حتی مطمئن نیستم که آیا این موضوع تا به حال رسمی شده است یا خیر.

من واقعاً باید این را بررسی کنم. اما واقعاً کمی بعد در تاریخ کلیسا، قبل از اینکه یکشنبه به عنوان سبت مسیحیان اعلام شود، اتفاق افتاد. با این حال، به طور غیررسمی سبت ما بود، و از قرن اول میلادی به طور غیررسمی سبت ما بوده است.

باز هم، من چند بار به این موضوع اشاره کردم که عیسی رویکردی عملی به روز سبت داشت. و در اینجا نیز می بینیم که روز رعایت سبت عملی بود، و انجام آن در روز یکشنبه برای کلیسا منطقی تر بود. و بنابراین من معتقدم که این با روح سبت مطابقت دارد.

بنابراین، آیا مسیحیان امروز باید روز سبت را رعایت کنند؟ این تقریباً اصل مطلب است، زیرا کسانی هستند که می گویند نه، سبت یک امر یهودی بود. این بخشی از تمام آن قوانینی بود که یهودیان را به بخشی از قوم عهد خدا تبدیل می کرد. ما به آن قوانین پایبند نیستیم، همانطور که به قوانینی که می گویند باید از گوشت خوک پرهیز کنید، پایبند نیستیم.

ما ملزم به رعایت قوانین عهد عتیق نیستیم. من واقعاً فکر نمی کنم که اسرائیل ملزم به رعایت قوانین عهد عتیق بوده باشد. فکر می کنم که با قوانین عهد عتیق آزاد شد، اما این سوال دیگری است.

پولس از تصویر شریعت به عنوان یک معلم استفاده می کند. شریعت اصول خوبی را به ما می آموزد و آن اصول چیزهایی هستند که ما همچنان به رعایت آنها ادامه می دهیم. وقتی زیر نظر یک معلم هستید، در نهایت فارغ التحصیل می شوید و دیگر به معلم نیاز ندارید.

آیا این به آن معناست که تمام درس هایی را که آموخته اید فراموش می کنید؟ بیایید امیدوار باشیم که اینطور نباشد. بلکه، درس هایی که آموخته ایم، آن چیزهایی که حقایق بودند که توسط معلم در ما قرار داده شده بودند، بعدها همچنان برای ما اهمیت دارند. منظورم این است که ما کسی را نداریم که با چماق بالای سرمان ایستاده باشد و آماده باشد اگر درس هایمان را درست یاد نگیریم، دست هایمان را بزند، بلکه اصول را در قلب و روح خود جای می دهیم.

اگرچه سبت نشانه عهد سینا بود، اما در زمان خلقت مقرر شد. این منطقی است که در کتاب خروج آمده است. این منطقی است که بعداً توسط خاخام ها و در یهودیت بین العهدی ذکر شده است.

برداشت این است که چیزی جهانی در مورد سبت وجود دارد، نه چیزی خاص یهودی در مورد سبت. عیسی بر حفظ سبت به عنوان فایده ای برای بشریت تأکید کرد، نه فقط فایده ای برای اسرائیل. عیسی نگفت سبت برای اسرائیل مقرر شده است، نه اسرائیل برای سبت.

او گفت که روز سبت برای بشریت، برای همه ما ساخته شده است تا از دریافت یک روز استراحت، یک روز تجدید قوا بهره مند شویم. بنابراین، بیایید در اینجا در مورد برخی از مزایای داشتن یک روز استراحت صحبت کنیم. همه اینها در متون مختلف عهد عتیق و همچنین در عهد جدید ذکر شده است.

اول از همه، فایده زیست محیطی روز سبت. جهان به استراحت نیاز دارد. موجودات زنده به استراحت نیاز دارند.

شما قرار است به حیواناتتان اجازه دهید در روز سبت استراحت کنند. گربه‌ها مشکلی ندارند. آنها این بخش را به خوبی یاد گرفته‌اند.

اما زمین باید سبت خود را داشته باشد. حال، این سبت‌ها معمولاً هر هفت سال یک بار، یا یک سبت ماهانه، یا چیزی شبیه به آن برگزار می‌شوند. اما روزهایی هم بود که به زمین استراحت داده می‌شد تا بتواند خود را تجدید کند.

قرار بود هر هفته به حیوانات یک روز مرخصی داده شود. حالا، به حیواناتتان فشار نیاورید. از آنها کار نکشید.

آنها به استراحت نیاز دارند. بنابراین، ایده داشتن زمانی برای استراحت برای زمین، برای جهان، برای موجودات شما و برای خودتان، همه اینها برای برقراری سبت بسیار مهم و اساسی بود و هنوز هم برای ما مفید است. اکنون، زمان‌های مختلفی در تاریخ وجود داشته است که مستبدان سعی در لغو سبت روز هفتم داشته‌اند.

و این کار در فرانسه در طول انقلاب فرانسه انجام شد. روس‌ها زمانی سعی کردند این کار را انجام دهند زیرا تصور این بود که اگر بتوانند از شر سبت مسیحیان خلاص شوند، می‌توانند مسیحیت و نظم نوین جهانی خود را تضعیف کنند. این روش جواب نداد زیرا مردم به استراحت نیاز دارند.

زمین به استراحت نیاز دارد. حیوانات به استراحت نیاز دارند. وقتی سعی کردند فرانسه را به یک هفته کاری ده روزه تغییر دهند، متوجه شدند که اسب‌ها از خستگی در حال مرگ هستند.

چیزی در دنیای ما وجود دارد که به نظر می‌رسد در آن چرخه‌ی هفت روزه بهتر عمل می‌کند. که، ضمناً، باید اشاره کنم، یک چیز یهودی است. به بابلی‌ها، مصری‌ها یا رومی‌ها نگاه کنید، و آنها هفته‌های هفت روزه نداشتند.

همه اینها از یهودیان آمده است. اما این روش جواب می‌دهد. به نظر می‌رسد که خدا به دلایلی عجیب می‌دانست چه می‌کند.

منطق اخلاقی، مسئولیت ما در قبال دیگران و حیوانات، فراهم کردن استراحت مورد نیازشان است. البته این موضوع هم در سفر خروج و هم در سفر تثنیه مورد تأکید قرار گرفته است، مبنی بر اینکه نباید از مردم تا سر حد مرگ کار کشید. رعایت روز سبت در کشور ما توسط دولت اجباری شده است.

ما این قوانین یکشنبه را داریم. این از استان انتاریو است. کار کردن را ممنوع می‌کند، با استثنائات خاص، به جز برای برخی وظایف الزامی خاص.

اگر کسی نمی‌توانست یکشنبه را مرخصی بگیرد، می‌توانست یک روز دیگر مرخصی بگیرد. ایده مهم این بود، که شما زمانی برای استراحت دارید. اگر به نحوی آن را اجباری نمی‌کردیم، اگر همانطور که قبلاً اشاره کردم، این نوع منطق را در ذهن خود داشتیم که می‌گفت کار خوب است، استراحت خیلی خوب نیست.

ما مردم را تحت فشار قرار می‌دهیم. این کار عواقب وخیمی دارد، همانطور که در برخی جوامع امروزی دیده‌ایم، جایی که مردم از شدت خستگی در محل کار جان خود را از دست می‌دهند. نقشه خدا این است که مردم نتوانند از کارمندان خود تا مغز استخوان کار بکشند.

آنها مجبور بودند به آنها زمان استراحت عادلانه‌ای بدهند. و بنابراین، آن مفهوم اخلاقی نیز در روز سبت وجود دارد. ما در قبال ستمدیدگان مسئولیت داریم.

ما مسئولیت داریم که از آنها در برابر افرادی که از آنها سوءاستفاده می‌کنند محافظت کنیم. افرادی هستند که تا جایی که می‌توانند، تا جایی که بتوانند از مردم خود پول دریاورند، کار می‌کنند. و افرادی هم هستند که آنقدر درمانده هستند که خیلی بیشتر از زمانی که باید کار کنند، به کار کردن ادامه می‌دهند.

با برنامه‌ریزی و پیروی از آن چرخه، که آن روز استراحت از پیش تعیین‌شده را در خود دارد، خود را در کنار مردمی قرار می‌دهیم که مورد ستم قرار گرفته‌اند، در کنار مردمی که توسط طمع‌کاران مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. و البته، یک جنبه معنوی نیز در آن وجود دارد، زیرا مقدس نگه داشتن روز سبت به معنای جدا نگه داشتن آن برای خداست.

باید این حس وجود داشته باشد که می‌توانیم بخشی از وقت خود را هر هفته به عبادت، تأمل، خانواده و ارتباط مجدد به روش‌های مقدس با همسایگان و عزیزان خود اختصاص دهیم. وقتی به آن فکر می‌کنید روزی داریم که الگویی برای بقیه هفته ما تعیین می‌کند. یکشنبه خود را چگونه می‌گذرانید؟ این روز به نحوی بر بقیه هفته شما تأثیر خواهد گذاشت.

اگر یکشنبه‌هایمان را در زمین گلف بگذرانیم، آن نوع تقدس را به دست نمی‌آوریم؛ احتمالاً دچار سرخوردگی می‌شویم. اگر روزهایمان را جلوی تلویزیون یا در دفتر کار بگذرانیم، همانطور که بسیاری از مردم این روزها انجام می‌دهند، از مواجهه احتمالی با خدا اجتناب می‌کنیم. و خودمان را از فرصت‌هایی که برای ملاقات با دیگران، برای تشویق روحمان، برای تجدید قوا برای بقیه هفته که قرار است در آنجا باشیم و به کارهای روزانه‌مان بپردازیم، محروم می‌کنیم و شاید از همان چیزهایی که روح و روانمان را تغذیه می‌کنند، جدا شویم.

اینجا یک داستان کوتاه برایتان تعریف می‌کنم. بیش از ۷۵ سال پیش، زنی به نام لتی کاومن زندگی می‌کرد. او یک مبلغ مذهبی و نویسنده بود.

و او داستانی درباره مسافری تعریف کرد که در حال سفری طولانی در آفریقا بود. و آنها مردانی از یک قبیله محلی را استخدام کرده بودند تا بارهایشان را برایشان حمل کنند. خب، در روز اول، آنها به سرعت از آنجا عبور کردند و تا دوردست‌ها راهپیمایی کردند، و مسافر از اینکه چقدر پیشرفت خوبی داشته‌اند، هیجان‌زده بود.

صبح روز دوم، افراد قبیله از حرکت خودداری کردند، فقط نشستند و استراحت کردند. و وقتی مسافران آنها را فریب دادند و پول بیشتری به آنها پیشنهاد دادند و از راه‌های مختلف سعی کردند این افراد را به حرکت وادارند، آنها به سادگی امتناع کردند. و بنابراین سرانجام آنها کاری را انجام دادند که شاید برای ما بدیهی به نظر برسد.

آنها پرسیدند که چرا دیگر ادامه نمی‌دهند. و آنچه آنها گفتند این بود که در روز اول زیاده‌روی کرده‌اند و حالا باید توقف کنند تا روحشان به بدنشان برسد. لتی کاومن با این روش مردم را نصیحت کرد.

او گفت، این زندگی پرتلاطم و پرجنب‌وجوش که بسیاری از ما آن را تجربه می‌کنیم، برای ما همان کاری را می‌کند که آن روز اول مارس برای آن قبایل فقیر جنگلی انجام داد. تفاوت این است که آنها می‌دانستند برای بازگرداندن تعادل به زندگی چه کاری باید انجام دهند. اغلب اوقات، ما نمی‌دانیم.

البته، شما در مورد آن فکر می‌کنید، آن ۷۵ سال پیش بود، و سرعت زندگی امروز چقدر بیشتر است؟ روز سبت چقدر می‌تواند ارزشمندتر، چقدر مهم‌تر باشد؟ در واقع، چقدر می‌تواند برای ما مهم‌تر باشد که با گذراندن یک روز استراحت، تجدید قوا و سبت، به روح خود اجازه دهیم تا با بدن‌هایمان همگام شود.

این دکتر آنتونی جی. توماسینو و آموزه‌های او در مورد ده فرمان است. این جلسه ۵، فرمان ۴: سبت است.